

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال یازدهم ♦ شماره ۴۳ ♦ پاییز ۱۴۰۰  
صفحات: ۷۹-۵۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹



## بررسی و نقد دیدگاه وهابیت، پیرامون موضوع

### «عبادت» از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام

رسول چگینی\*

#### چکیده

وهابیت مهمترین چالش جهان اسلام در سه قرن اخیر است که با تکفیر مسلمانان، امت اسلامی را چندپاره کرده و فرصتی برای دست‌اندازی دشمنان اسلام فراهم نموده است. آنان با شرک‌انگاری برخی امور از قبیل استغاثه، استشفاع و نذر، مسلمانان را بدتر از مشرکان عصر نزول توصیف می‌کنند. این سخن وهابیت برگرفته از مبنای فکری آنان در تعریف عبادت است که با دست بردن در آن، قصد و نیت را از تعریف عبادت خارج کرده و بسیاری از امور را به‌صرف تشابه ظاهری با افعال مشرکان، در زمره امور شرکی به‌شمار آورده‌اند. در این مقاله، با مراجعه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، دیدگاه وهابیت درباره مفهوم عبادت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و از این رهگذر، ثابت می‌شود که ائمه معصومین علیهم‌السلام، عبادت را بر دو رکن استوار دانسته‌اند؛ اول، خضوع و اطاعت و دوم، قصد و نیت. برای این منظور، روایات اهل بیت علیهم‌السلام با نگاه تحلیلی مورد پژوهش قرار گرفته و ماهیت عبادت از میان سخنان معصومان علیهم‌السلام، استخراج گردیده است.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، تکفیر، عبادت، نیت، روایات اهل بیت علیهم‌السلام.

## مقدمه

از مهمترین بهانه‌های وهابیت برای تکفیر مسلمانان، انجام اعمال مشرکانه توسط مسلمانان است. آنان با دست بردن در معنای عبادت، هرگونه اظهار حاجت و استغاثه به اولیای الهی را، عبادت ایشان قلمداد می‌کنند و با استناد به آیاتی که از عبادت غیر خدا نهی کرده، این سیره مسلمانان را عملی شرکی دانسته و مسلمانان را به جرم ارتکاب «عبادت من دون الله»، مشرک توصیف می‌کنند.

این برداشت نادرست وهابیان، برخاسته از تعریفی است که از عبادت ارائه می‌کنند. آنان در عبادت، بی‌توجه به قصد و نیت عبادت‌کننده، تنها به ظاهر عمل که در بردارنده خضوع و فروتنی است استناد کرده و هر عملی که خداوند دوست دارد و به آن راضی است را، مصداق عبادت می‌دانند؛ بنابراین استغاثه و استشفاع به اولیای الهی را در زمره امور عبادی قرار می‌دهند که تنها، خالق یکتا سزاوار آن است.

برای پاسخ به این ادعای وهابیت، باید به سراغ تعریف آنان از عبادت رفت. این پژوهش در پی نقد تعریف وهابیت از عبادت است؛ به منظور نمایان ساختن شکاف موجود میان وهابیت با دیدگاه اسلام، از روایات اهل بیت علیهم‌السلام بهره می‌بریم و با استناد به این روایات، دیدگاه وهابیت را مورد نقد قرار می‌دهیم.

به‌همین منظور، ابتدا دیدگاه وهابیت درباره تعریف عبادت ذکر می‌شود و سپس با جستجو در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، عباراتی که ناظر به عبادت وجود دارد، استخراج می‌گردد؛ با بررسی و دسته‌بندی آنها، ماهیت عبادت از منظر اهل بیت علیهم‌السلام تبیین می‌شود. بر این پایه، دیدگاه وهابیت در مقایسه با دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته و اشکالات آن آشکار می‌شود. اگرچه تألیفات سودمندی درباره عبادت از منظر قرآن و روایات شیعی منتشر شده، اما کتاب یا مقاله‌ای که به مقایسه دیدگاه وهابیت با نظر اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته باشد، تاکنون نوشته نشده است.

## دیدگاه وهابیت درباره عبادت

محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶ق)، بنیان‌گذار اندیشه وهابیت، به پیروی از ابن تیمیّه حرانی

(۷۲۸ق)، تعریفی را برای عبادت ذکر کرده است که مورد اتفاق پیروان او قرار گرفته و در تألیفات وهابیان، باز نشر می‌شود. او عبادت را این‌گونه تعریف می‌کند: «العبادة هي غاية الخضوع والتذلل، وغاية الحب والتعلق لمن فعل له ذلك، وبعبارة أخرى هي اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه من الأقوال والأعمال الباطنة والظاهرة»؛<sup>۱</sup> عبادت نهایت خضوع و تذلل و نهایت محبت است؛ به عبارت دیگر، عبادت اسم جامعی است برای هر کاری که خداوند دوست دارد و به آن خشنود می‌شود که شامل اقوال و اعمال باطنی و ظاهری می‌باشد. وی در جای دیگر، تنها بخش دوم تعریف را ذکر کرده<sup>۲</sup> و پیروان او نیز این بخش را منعکس کرده‌اند.<sup>۳</sup> وی با برشمردن مصادیق عبادت از قبیل اسلام، ایمان، احسان، دعا، ترس، امید، توکل، اشتیاق، خشوع، ترس همراه با تعظیم خدا، انابه، یاری خواستن، قربانی، نذر و غیر اینها، این اعمال را مختص خداوند دانسته،<sup>۴</sup> و با گسترانیدن معنای عبادت، بسیاری از مسلمانان را به دلیل «عبادت من دون الله»، مشرک قلمداد کرده است.

ابن عبدالوهاب در جایی، تقسیمی که ابن تیمیه از توحید مطرح کرده را، باز نشر داده و توحید را بر سه قسم توحید عبادی، ربوبی و اسماء و صفات تقسیم کرده است.<sup>۵</sup> او توحید مورد نظر قرآن را، توحید عبادی می‌داند<sup>۶</sup> که انبیاء برای گسترش آن برانگیخته شده‌اند؛<sup>۷</sup>

۱. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، أصول الدين الإسلامي مع قواعد الأربع، ص ۷.

۲. همان، تعلیم الصبيان التوحيد، ص ۲.

۳. ابن عبدالوهاب، محمد، الكلمات النافعة في المكفرات الواقعة، ص ۹۹؛ «أل شيخ، سليمان بن عبدالله، التوضيح عن توحيد الخلاق في جواب أهل العراق، ص ۱۹۱»؛ «ابابطين، عبدالله بن عبدالرحمن، الانتصار لحزب الله الموحدين، ص ۳۳»؛ «أل شيخ، عبدالرحمن بن حسن، رسائل وفتاوى الشيخ عبدالرحمن بن حسن بن محمد عبدالوهاب، ص ۱۶»؛ «أل شيخ، عبداللطيف بن عبدالرحمن، تحفة الطالب والجلس في كشف شبه داود بن جرجيس، ص ۱۰۸»؛ «ختعمي، سليمان بن سحمان، الضياء الشارق في رد شبهات الماذق المارق، ص ۴۴۷»؛ «حکمی، حافظ بن احمد، أعلام السنة المنشورة لاعتقاد الطائفة الناجية المنصورة، ص ۷»؛ «بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، دروس للشيخ عبدالعزيز بن باز، ج ۶، ص ۳»؛ «ابن عثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين، ج ۱، ص ۸۸»؛ «فوزان، صالح بن فوزان، إغاثة المستفيد بشرح كتاب التوحيد، ج ۱، ص ۳۰».

۴. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، أصول الدين الإسلامي مع قواعد الأربع، ص ۷.

۵. همان، الرسالة المفيدة، ص ۳۹.

۶. «أن التوحيد هو إفراد الله سبحانه بالعبادة»؛ (نجدی، محمد بن عبدالوهاب، كشف الشبهات، ص ۳)؛ (همان، ثلاثة الأصول، ص ۱۸۶).

۷. «همان، الرسائل الشخصية، ج ۱، ص ۱۶۶»؛ «همان، الجواهر المضية، ص ۶».

با این تعریف، هر کاری که می‌تواند برای خداوند انجام شود، مانند توسل، استغاثه، استشفاع، ذبح، نذر و...، اگر برای غیر خدا انجام شود را شرک در عبادت و ناسازگار با دعوت انبیاء می‌داند و مرتکب این افعال را مشرک و خارج از محدوده اسلام قلمداد می‌کند.<sup>۱</sup> وی می‌نویسد:

عظیم‌ترین نهی خدا به شرک تعلق گرفته است. شرک آن است که غیر خدا را همراه او بخوانند و موجودی غیر خدا را در سایر انواع عبادت قصد کنند؛ پس کسی که چیزی از موارد عبادت را برای غیر خداوند انجام دهد، در نتیجه او را رب و اله قرار داده و غیر خداوند را شریک او قرار داده است.<sup>۲</sup>

این تعریف وهابیت باعث شده که مصادیق متعددی بدون توجه به قصد و نیت آن، به-عنوان عبادت شمرده شود؛ مانند سجده که وهابیت بدون تقسیم‌بندی آن، مطلق سجده را شرک می‌دانند. محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

همه اموری که برای تعظیم است، خداوند مالک و سزاوار آن است؛ مانند انحناء و رکوع و سجود و بقاء و دوام و هر چیزی که باعث تعظیم خداوند می‌شود، فقط اختصاص به خداوند دارد؛ پس اگر کسی آنها را برای غیر خدا به کار ببرد، مشرک و کافر است.<sup>۳</sup>

بن‌باز می‌گوید: در شریعت اسلام، سجده برای غیر خدا جایز نیست؛ نه برای تحیت و نه برای عبادت.<sup>۴</sup> در فتوایی که از «اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء» درباره سجده منتشر شده، بدون تفکیک میان اقسام سجده، مطلق سجده شرک قلمداد شده است. هر کسی که به رسالت پیامبر ﷺ و هر چیزی که در شریعت است، ایمان داشته باشد، اگر بعد از ایمان به آنها، برای غیر خدا سجده کند (از قبیل ولی یا صاحب قبر یا شیخ طریقت)، او کافر و مرتد از اسلام شده که برای خداوند در عبادت شریک قائل شده است؛ اگرچه هنگام سجده، شهادتین را بر زبان بگوید.<sup>۵</sup>

۱. همان، ثلاثة الأصول وأدلتها والقواعد الأربع، ص ۱۱.

۲. همان، مجموعة رسائل في التوحيد والإيمان، ص ۳۸۱.

۳. «جميع التعظيمات له ملكا واستحقاقا مثل الانحناء والركوع والسجود والبقاء والدوام وجميع ما يعظم به رب العالمين فهو لله، فمن صرف منه شيئا لغير الله فهو مشرك كافر»؛ (نجدی، محمد بن عبدالوهاب، ثلاثة الأصول وأدلتها، ص ۳۶).

۴. «فلا يجوز فيها السجود لغير الله لا تحية ولا عبادة»؛ (بن‌باز، عبدالعزيز بن عبدالله، فتاوى نور على الدرب، ج ۴، ص ۱۱۰).

۵. «كل من آمن برسالة نبينا محمد صلى الله عليه [وآله] وسلم وسائر ما جاء به في الشريعة إذا سجد بعد ذلك لغير الله من

پیش از نقد دیدگاه وهابیت از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام، ذکر این نکته ضروری است که تعریف بیان شده، از جهت اسلوب علمی نادرست است؛ زیرا میان معنای مصدری و اسم مصدری تفکیک نشده است. توضیح سخن اینکه، عبادت در دو معنا استعمال می‌شود که عبارت‌اند از:

الف: عبادت کردن؛

ب: فعل عبادی؛

برای نمونه، کسی که به اقامه نماز پرداخته است، او عبادت‌کننده است و عملی که در هیئت نماز برای او محقق می‌شود، آن نیز عبادت است؛ بنابراین، عبادت در دو معنای مصدری (نماز خواندن) و اسم مصدری (نماز) به کار می‌رود. همه عبادات را می‌توان بر این قاعده تقسیم کرد. مانند وضو گرفتن، روزه گرفتن، خمس دادن، جهاد کردن، نیکی کردن به والدین، که تمام این امور، در معنای مصدری عبادت به کار رفته‌اند؛ در نقطه مقابل، وضو، روزه، خمس، جهاد، احسان، اموری هستند که ثمره افعال پیشین می‌باشند و عبادت به‌شمار می‌روند؛ بر این اساس، باید ملاحظه کرد که تعریف عبادت، از کدام بُعد بیان شده است.

بخش اول تعریف وهابیت (هی غایة الخضوع والتذلل، و غایة الحب والتعلق لمن فعل له ذلك)، به ماهیت عبادت به معنای مصدری (عبادت کردن) اشاره دارد؛ بدین معنا که اگر کسی قصد انجام عبادت دارد، باید نهایت خضوع و محبت خود را به کار گیرد تا عبادت محقق شود؛ اما بخش دوم تعریف (هی اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه من الأقوال والأعمال الباطنة والظاهرة)، مربوط به حوزه اسم مصدری (عبادت) است؛ یعنی فعل عبادی آن، فعلی است که خداوند آن را دوست دارد و به آن راضی است؛ در نتیجه، همسان آوردن این دو تعریف در کنار هم (که جمله «و بعبارة أخرى» گویای آن است که این دو تعریف، یک معنا را می‌رسانند)، نادرست است.

ولي وصاحب قبر أو شيخ طريق يعتبر كافرا مرتدا عن الإسلام مشركا مع الله غيره في العبادة، ولو نطق بالشهادتين وقت سجوده»؛ (الدويش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۱، ص ۲۶۶).

شایان ذکر است، آنچه که در تعریف عبادت اهمیت دارد و عالمان اسلامی همواره در پی تبیین آن بوده‌اند، عبادت به معنای مصدری است و نه اسم مصدری؛ در واقع آن ساحتی از عبادت که مربوط به مکلف است و تکلیف شرعی و حقوق الهی را ادا می‌کند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و نه افعالی که جز از مسیر تشریح خداوند، قابل شناسایی نیستند. با واکاوی روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز، به دست می‌آید که عموم روایات ناظر به این بُعد از عبادت هستند. وهابیت نیز اگرچه با نگاه به افعال عبادی (اسم مصدری)، به تکفیر مسلمانان پرداخته، اما این اقدام آنان، در پرتو برداشتی است که از عبادت (مصدری) ارائه داده‌اند؛ زیرا نادیده گرفتن برخی ارکان عبادت مانند قصد و نیت، باعث شده که آنان، افعال مشابه با عبادات را بدون توجه به ارکان عبادت، عبادت به‌شمار آورده‌اند؛ بنابراین، در این مقاله، تعریف عبادت به معنای مصدری را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

### نقد دیدگاه وهابیت از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام

عبادت از مهمترین اهداف آفرینش مخلوقات است که قرآن کریم بازگو کرده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup> در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز جایگاه والایی برای عبادت در منظومه اعتقادی و رفتاری مؤمنان در نظر گرفته شده است. در این روایات، عبادت به - عنوان برترین گرایشات عقل بیان شده است<sup>۲</sup> که سرچشمه آن معرفت،<sup>۳</sup> و ثمره آن ایمان<sup>۴</sup> و دخول در بهشت<sup>۵</sup> و نزدیکی به خداوند<sup>۶</sup> است.

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. «امام صادق علیه‌السلام : أفضل طبايع العقل العبادة»؛ (مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ص ۲۴۴).

۳. «امام صادق علیه‌السلام : ومعرفتك بذكرة لك بورك الخضوع والاستحياء والانكسار»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۵۸).

۴. «امام باقر علیه‌السلام : معنى صفة الايمان، الاقرار والخضوع لله بذل الاقرار والتقرب اليه به والاداء له بعلم كل مفروض من صغير أو كبير من حد التوحيد فما دونه إلى آخر باب من أبواب الطاعة»؛ (ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۲۹).

۵. «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم : فأول ثلاثة يدخلون الجنة الشهيد و عبد أحسن عبادة الله و نصح لسيدة و رجل فقير كثير العيال عفيف مُتَعَفِّف»؛ (کراچی، محمد بن علی، معدن الجواهر و رياضة الخواطر، ص ۳۲).

۶. «امام علی علیه‌السلام : ما تقرب مقرب بمثل عبادة الله»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۸۱).

فلسفه عبادات، اقرار به ربوبیت آفریدگار<sup>۱</sup> و وسیله‌ای برای تقرب به او است،<sup>۲</sup> که شایسته نیست جز برای خالق هستی<sup>۳</sup> و فریادرس حقیقی<sup>۴</sup> به جای آورده شود؛ البته عیب از ترس خداوند، آن را به جای می‌آورند، و تجار به دنبال پاداش هستند و أحرار به منظور شکرگزاری و ابراز محبت، پیشانی بر آستان باری تعالی می‌سایند.<sup>۵</sup> بندگان برگزیده خداوند، اما چون خدا را شایسته عبادت یافته‌اند، دل در گرو پرستش معبود نهاده‌اند.<sup>۶</sup>

اما وهابیت با تعریف ناقص خود، نتوانسته است به تمام ابعاد عبادت اشاره کند و زمینه درهم‌آمیختگی امور عبادی با غیرعبادی را فراهم کرده است؛ در ادامه دیدگاه وهابیت از منظر روایات را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

همان‌گونه که بیان کردیم، وهابیت عبادت را با عبارتی تعریف کرده‌اند که عنصر اصلی آن، خضوع و محبت است؛ در این عبارت، هیچ اشاره‌ای به نیت و قصد عبادت‌کننده نشده است. این در حالی است که با نگاهی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، می‌توان عبادت را بر دو رکن دانست؛ اول، خضوع و اطاعت و دوم، عقیده و نیت؛ در ادامه به توضیح این دو رکن می‌پردازیم.

## خضوع و اطاعت

پیش از ورود به تعریف عبادت از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام، لازم است نسبت به معنانشناسی عبادت توضیحاتی ارائه گردد؛ با توجه به اینکه بررسی معنای لغوی، علمی مختص اهل-

۱. «امام رضا علیه‌السلام : أن علة الصلاة أنها إقرار بالربوبية لله عزوجل و خلق الأنداد»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۴).
۲. «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم : إن الله لما خلق آدم وأمر الملائكة بالسجود له فسجدوه له تقربا لله»؛ (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۶۸).
۳. «امام رضا علیه‌السلام : وإنما تحق العبادة لخالقها وخالق السماوات والأرض»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۹۷).
۴. «امام حسن عسکری علیه‌السلام : لا تحق العبادة إلا له، المغیث إذا استغیث، والمجیب إذا دعی»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ص ۲۳۱).
۵. «کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۴»؛ «ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۴۶».
۶. «امام علی علیه‌السلام : إلهي ما عبدتك خوفا من عقابك ولا طمعا في ثوابك، ولكن وجدتك أهل للعبادة فعبدتك»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۴).

لغت است، بنابراین، در این بخش باید به سراغ لغت‌شناسان رفت و معنای لغوی عبادت را از آثار آنها پی‌جو شد.

عبادت از واژه «عبد» مشتق شده است. لغت‌شناسان معانی متفاوت ولی نزدیک‌به‌هم برای عبادت ذکر کرده‌اند. مجموع مطالبی که برای عبادت ذکر کرده‌اند، در این سه معنا خلاصه می‌شود:

۱. عبادت به معنای خضوع و فروتنی؛<sup>۱</sup>

۲. عبادت به معنای طاعت و فرمان‌پذیری؛<sup>۲</sup>

۳. عبادت به معنای طاعت همراه با خضوع؛<sup>۳</sup>

در مجموع، عبادت در لغت همان خضوع، فروتنی و اطاعت است. بدیهی است که این تعریف از عبادت، مربوط به حالتی است که عبادت‌کننده باید داشته باشد و نه عمل عبادی.

روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که با مطالعه آنها می‌توان، به ماهیت عبادت پی‌برد. در این روایات، بر عناصری از قبیل خضوع و اطاعت تأکید شده است که کاملاً همسو با معنای لغوی عبادت است؛ در ادامه، به مهمترین عناصری که در روایات برای ماهیت عبادت ذکر شده است، اشاره می‌کنیم.

امام صادق علیه‌السلام، بِن‌مایه همه طاعات را نیازمندی به خداوند و خشوع و خضوع نزد باری تعالی معرفی کرده‌اند.<sup>۴</sup> امام رضا علیه‌السلام نیز خشوع و خضوع را لازمه عباداتی مانند نماز دانسته‌اند.<sup>۵</sup> درباره معنای خضوع می‌توان به روایاتی استناد کرد که به مصادیق یا اضداد

۱. «جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ج ۲، ص ۵۰۳»؛ «ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۵»؛ «راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۴۲».

۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. «ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۱۳۸»؛ «ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۳»؛ «زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۳۳۰».

۴. «امام صادق علیه‌السلام: وقوام ذلك كله بالافتقار إلى الله، والاضطرار إليه والخشوع والخضوع»؛ (ناشناخته، مصباح الشریعه، ص ۲۲).

۵. «إذا أردت أن تقوم إلى الصلاة، فلا تقم إليها متكاسلاً، ولا متناعساً، ولا مستعجلاً، ولا متلاهباً، ولكن تأتيتها على السكون والوقار والتؤدة، وعليك الخشوع والخضوع، متواضعاً لله عزوجل، متخاشعاً عليك خشيةً وسيماء الخوف»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۶۸).

خضوع اشاره شده است؛ برای نمونه، امام باقر علیه السلام خضوع را «استکانت، تسلیم شدن» معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام در روایت معروف جنود عقل و جهل، خضوع را ضد گردن‌کشی و اظهار قدرت دانسته‌اند؛<sup>۲</sup> بدین ترتیب می‌توان خضوع را فروتنی و تذلل معنا کرد؛ همچنین از روایات به‌دست می‌آید که تفاوت میان خضوع با خشوع این است که خشوع، در قلب انسان محقق می‌شود و خضوع، در ارکان ظاهری انسان هویدا می‌گردد.<sup>۳</sup> برخی لغت‌دانان نیز، این تفاوت را گوشزد کرده‌اند؛<sup>۴</sup> به‌عنوان مصداق خضوع نیز می‌توان، از ذکر سجده، به نمود ظاهری خضوع پی‌برد.<sup>۵</sup>

در روایات زیادی، خضوع و خشوع در کنار عباداتی از قبیل رکوع و سجود ذکر شده<sup>۶</sup> و گویای این است که ماهیت عبادات، آمیخته با خضوع و خشوع است؛ البته هم‌ردیف شدن عبادت با خضوع، این نکته را می‌رساند که خضوع معنای عامی دارد که نماز تنها یکی از مصادیق آن است.<sup>۷</sup>

عنصر دیگری که در روایات اهل بیت علیهم السلام برای عبادت ملحوظ شده، تعظیم و تواضع است. امام حسن عسکری علیه السلام به یکی از احتجاجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکان اشاره نموده‌اند که در آنجا، رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرکان را به جهت عبادت اصنام مورد مؤاخذه قرار دادند؛ در این احتجاج، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، تعظیم را در کنار خضوع و خشوع، به‌عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عبادت معرفی کرده‌اند.<sup>۸</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۰.

۲. «امام صادق علیه السلام : والخضوع و ضده التناول»؛ (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۷).

۳. «امام صادق علیه السلام : یا ابن‌عمران هب لی من قلبک الخشوع ومن بدنک الخضوع»؛ (ابن‌بابویه، محمد بن علی، الأملی، ص ۳۵۷)؛ (مفید، محمد بن محمد، الأملی، ص ۲۳۷).

۴. ابوهلال عسکری، حسن بن محمد، الفروق اللغویه، ص ۲۴۹.

۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۲.

۶. «مانند: امام علی علیه السلام : حب إليهم العبادة الشديدة، والخشوع، والرکوع، والخضوع والسجود...»؛ (طبری املی، محمد بن ابی‌القاسم، بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ج ۲، ص ۲۸)؛ «امام رضا علیه السلام : فيغسل الوجه للسجود والخضوع»؛ (ابن‌بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶).

۷. «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : فإذا صك جبهته سح فقال سبحان من لا یبنغي التسیبج إلا له، ولا العبادة والخضوع إلا لوجهه، ذلك الله القدير الواحد العزيز»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۵).

۸. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۵.

تواضع نیز از درگاه‌های اصلی عبادت می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لیس لله عزوجل عبادةٌ یقبلها و یرضاهَا إِلَّا و باؤها التواضع»؛<sup>۱</sup> در این بیان، تواضع، مزرعه خشوع و خشوع نامیده شده است که آنها جز در این بستر سر بر نمی‌آورند.<sup>۲</sup> به‌نظر می‌رسد تفکیک میان تواضع و تعظیم با خضوع و خشوع در آن است که تواضع و تعظیم، از افعالی هستند که با پایبندی به آنها، خضوع و خشوع حاصل می‌شود؛ در واقع، خضوع و خشوع اموری باطنی هستند که ثمره تواضع و تعظیم به‌شمار می‌روند؛ با توجه به تقارب معنایی که میان تواضع، تعظیم، خضوع و خشوع وجود دارد و همچنین به-جهت استخدام واژه «خضوع» برای تعریف لغوی عبادت، در تعریف اصطلاحی عبادت، تنها بر واژه خضوع تأکید می‌شود که در بردارنده تمام اقسام آن باشد.

اطاعت از مهمترین مفاهیمی است که در ماهیت عبادت جای دارد؛ به‌گونه‌ای که در برخی روایات، اطاعت به‌عنوان غایت عبادت نام برده شده است؛<sup>۳</sup> البته روایات دیگری که غایت عبادت را عقل دانسته است،<sup>۴</sup> گویای این است که اطاعت برخاسته از آگاهی و تعقل، مقصود عبادت است.

در سه حدیث جداگانه، امام صادق علیه السلام در پاسخ به درخواست اصحاب برای بیان تعریف عبادت فرمودند: «حُسن النیة بالطاعة»؛<sup>۵</sup> نیت نیکو با پیروی کردن است. این عبارت، بیانگر آن است که عبادت با اطاعت و نیت محقق می‌شود؛ بر این اساس، اطاعت به‌عنوان ماهیت عبادت و نیت، جزء ارکان عبادت به‌شمار آمده است؛ یعنی عبادت، اطاعتی است که وابسته به‌وجود نیت در آن است و اگر این رکن وجود نداشته باشد، عبادت محقق نشده است. مباحث مربوط به نیت در بخش بعدی به‌صورت مبسوط ذکر می‌شود.

۱. ناشناخته، مصباح الشریعه، ص ۷۳؛ «مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۲۱».

۲. «التواضع مزرعة الخشوع والخضوع والخشية والحياء وإنهن لا یأتین إلا منها و فیها»؛ (همان).

۳. «امام علی علیه السلام : غایة العبادة الطاعة»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۴۹).

۴. «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : غایة العبادة العقل»؛ (دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۱۷۰).

۵. «کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۳»؛ «ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۲۴۰».

همسو با تعریف فوق می‌توان، به روایات زیادی اشاره کرد که اطاعت را همسان عبادت دانسته‌اند. این برداشت، بیشتر در تفسیر آیاتی که ناظر به عبادت غیر خدا است، منعکس شده است. امام باقر علیه السلام اجتناب از عبادت طاغوت که در آیه **«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا»**<sup>۱</sup> اشاره شده است را به معنای اجتناب از اطاعت طاغوت دانسته‌اند.<sup>۲</sup> حضرت در تفسیر آیه **«وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»**<sup>۳</sup>، علت مشرک خطاب شدن عده‌ای که ادعای ایمان به خدا دارند را شرک اطاعت آنها بیان فرموده‌اند.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات **«وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (۸۱) كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا»**<sup>۵</sup>، عبادت مورد اشاره در این آیه را به معنای اطاعت بیان کرده‌اند. حضرت می‌فرماید: عبادت تنها سجود و رکوع نیست؛ بلکه عبادت، به معنای اطاعت از مردمان است. کسی که از مخلوقی در معصیت خالق اطاعت کند، به تحقیق، او را عبادت کرده است؛<sup>۶</sup> از این عبارت فهمیده می‌شود، یکی از دلایل شرک مشرکان این بوده که آنها، از کسانی که هیچ حجت و دلیلی بر لزوم اطاعت از آنها وجود نداشته، به صورت مستقل پیروی می‌کردند.

شبهه به این معنا، در ماجرای سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام، با اموات یک قریه بازگو شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی حضرت عیسی علیه السلام با اصحاب خود از قریه‌ای عبور کردند که جنازه تمام افراد آن قریه در خانه‌ها و راه‌ها افتاده بود. اصحاب از حضرت عیسی علیه السلام خواستند که علت این مرگ فجیع را از اموات بپرسند. وقتی حضرت عیسی علیه السلام با آنها سخن گفت، یکی از مردگان پاسخ داد: به جهت حب دنیا و عبادت طاغوت، خشم الهی آنها را در بر گرفته است. او در بیان چگونگی عبادت طاغوت گفت:

۱. سوره زمر، آیه ۱۷.

۲. «العبادة طاعة الناس لهم»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۹).

۳. سوره یوسف، آیه ۱۰۶.

۴. «شرك طاعة ليس بشرك عبادة، والمعاصي التي يرتكبون فهي شرك طاعة أطاعوا فيها الشيطان فأشركوا بالله في الطاعة لغيره، وليس بإشراك عبادة أن يعبدوا غير الله»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۱۴).

۵. سوره مریم، آیه ۸۲ و ۸۱.

۶. «ليست العبادة هي السجود ولا الركوع وإنما هي طاعة الرجال من أطاع مخلوقا في معصية الخالق فقد عبده»؛ (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۵۶).

طاغوت دستور می دادند و ما اطاعت می کردیم.<sup>۱</sup> در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که اهل کتاب، چگونه احبار و رهبان خود را به عنوان ارباب برگزیده بودند، فرمودند: احبار و رهبان هرگز مردم را به عبادت خودشان دعوت نمی کردند؛ زیرا اگر این کار را انجام می دادند، هرگز مردم، آنها را اجابت نمی کردند؛ اما آنها حلال الهی را حرام و حرام الهی را حلال می کردند و مردم آنها را از جهتی که نمی دانستند، عبادت می کردند؛<sup>۲</sup> بنابراین، اطاعت بی چون و چرا، نوعی عبادت به شمار می آید.

البته نباید دور از نظر داشت که اطاعت به تنهایی نمی تواند موجب عبادت بودن باشد؛ زیرا در این صورت، امور فراوانی مانند اطاعت بی چون و چرا از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام به عنوان عبادت ایشان محسوب می شود؛ بلکه اطاعت مورد نظر در این آیات و روایات، اطاعت برخاسته از عقیده به استقلال مطاع است. توضیح سخن اینکه در قرآن، اهل کتاب به جهت اینکه احبار و رهبان خود را به عنوان «ارباب من دون الله» برگزیده اند، مشرک معرفی شده اند؛ مانند آیه: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛<sup>۳</sup> آنها دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند و همچنین مسیح، فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتایی را که معبودی جز او نیست، پرستند. او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می دهند!

علت مشرک بودن اهل کتاب، قرار دادن بزرگان خود به جای خداوند است؛ بر اساس روایاتی که گذشت، جاگذاری احبار و رهبان به جای خدا، به معنای پرستش آنها با انجام امور عبادی مانند سجده و ذبح، عبادت نیست؛ بلکه اهل کتاب، احبار و رهبان را در تشریح و قانون گذاری در جایگاه خداوند قرار داده و از آنها اطاعت می کردند؛ بدین صورت که به تمام اوامر و دستورات بزرگان خود عمل می کردند و حکم آنان را به مثابه حکم خدا

۱. «قال: وما بلغ من عبادتكم الطاغوت؟ قال: كانوا إذا أمروا أطنعناهم»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۷).

۲. «فقال: أما والله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم ولو دعوهم إلى عبادة أنفسهم ما أجابوهم، ولكن أكلوا لهم حراما، وحرموا عليهم حلالا، فعبدوهم من حيث لا يشعرون»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۳).

۳. سوره توبه، آیه ۳۱.

می دانستند؛ به این دلیل، خداوند عمل آنها را شرک دانسته است؛ بنابراین، اطاعت از این افراد با عقیده به استقلال آنها در تشریح بوده است؛ زیرا در غیر این صورت، اگر اهل کتاب نگاه استقلالی به بزرگان خود نمی داشتند، معنا نداشت که خداوند، آنها را مشرک خطاب کند؛ زیرا مشرک، کسی است که شخصی یا چیزی را مانند خداوند و در کنار خدا در نظر داشته باشد.

امام حسن عسکری علیه السلام، عبادت در آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»<sup>۱</sup> را، به معنای اطاعت همراه با تذلل و خضوع تفسیر کرده اند.<sup>۲</sup> آن حضرت در بیان ماجرای بنی اسرائیل که حضرت موسی علیه السلام، کوه طور را بر بالای سر آنها برافراشت و از آنها میثاق گرفت،<sup>۳</sup> فرمودند: وقتی کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل قرار گرفت، جز عده ای که خداوند آنان را از دشمنی حفظ کرد، سایرین با نارضایتی قبول کردند، و تمام شان سجده کردند؛ اما سجده بسیاری از آنها با اراده خضوع برای خداوند نبود؛ بلکه از ترس افتادن آن کوه بود. عده ای نیز از روی اطاعت و اختیار سجده کردند.<sup>۴</sup> در این عبارت، دو شرط برای صحت سجده نام برده شده است؛ اول، اراده خضوع و دوم، اطاعت و اختیار؛ بنابراین فهمیده می شود، خضوع و اطاعت، مفاهیم تشکیل دهنده عبادت هستند.

در برخی روایات نقل شده است، همان گونه که سجده، رساترین حالتی است که خضوع و تواضع انسان را به نمایش می گذارد،<sup>۵</sup> اطاعت نیز از برجسته ترین مصادیق خضوع است؛<sup>۶</sup> بنابراین، اطاعت به دلیل آنکه بیانگر حالتی از خضوع است، عبادت به شمار می رود؛ در نتیجه،

۱. سوره حمد، آیه ۵.

۲. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ: أيها المنعم علينا، نطيعك مخلصين مع التذلل والخشوع، بلا رياء ولا سمعة»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۶).

۳. «اشاره به آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا»؛ (سوره بقره، آیه ۹۳).

۴. «فالجئوا إلى قبوله كارهين إلا من عصمه الله من العناد، فإنه قبله طائعا مختارا، ثم لما قبلوه سجدوا وعفروا وكثير منهم عفر خديه لا لإرادة الخضوع لله ولكن نظر إلى الجبل هل يقع أم لا، وآخرون سجدوا مختارين طائعين»؛ (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۳۸).

۵. «امام صادق علیه السلام؛ والسجود على الارض أفضل، لانه أبلغ في التواضع والخضوع لله عزوجل»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۷۲).

۶. «امام علی علیه السلام؛ نعم الطاعة الاتقياد والخضوع»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۴).

خضوع و تعظیم، مهمترین عنصر سازنده عبادت است که در قامت اطاعت نیز جلوه‌گر می‌شود و تمام این امور در صورتی که همراه با قصد و نیت باشد، عبادت به‌شمار می‌رود.

### قصد و نیت

همان‌گونه که بیان کردیم، وهابیت در تعریف عبادت، هیچ اشاره‌ای به نیت و قصد نکرده‌اند؛ در حالی که مهمترین شرط تحقق یک عمل عبادی، قصد و نیت آن است. مراد از نیت، آن است که شخص هنگام انجام عمل عبادی، قصد انجام عبادت داشته باشد؛ بنابراین، اگر کسی عمل عبادی انجام دهد، ولی هیچ قصدی برای عبادت نداشته باشد، عمل او عبادت محسوب نمی‌شود؛ برای نمونه، کسی که طواف خانه خدا انجام می‌دهد، اگر قصد عبادت نداشته باشد، این عمل او در حد پیاده‌روی قرار خواهد گرفت؛ اما اگر با قصد عبادت، این عمل را انجام دهد، او به عبادت خداوند پرداخته است؛ همچنین اگر کسی از شستن دست و صورت خود، قصد خنک شدن داشته باشد، این عمل او عبادت نیست؛ اما اگر او قصد وضو گرفتن که نوعی عبادت است داشته باشد، این عمل او، عبادت به‌شمار می‌رود.

ناگفته پیداست که در شناخت عمل عبادی (عبادت اسم مصدری) نیز، نیت فاعل تعیین‌کننده است و نه خود عمل؛ بدین معنا که یک عمل عادی، در صورتی می‌تواند عبادت به‌شمار آید که فاعل آن عمل، قصد عبادت داشته باشد؛ در غیر این صورت، آن عمل عبادی نیست. انجام اعمالی که خداوند دوست دارد و به آن راضی است نیز، در صورتی عبادت محسوب می‌شود که فاعل آن، نیت عبادت داشته باشد؛ برای نمونه، امور عادی و روزمره مانند غذا خوردن و راه رفتن انسان در صورتی که با قصد و نیت عبادت باشد، بدین معنا که فاعل نیت کند، غذا خوردن یا راه رفتن او مقدمه‌ای برای انجام عبادت باشد، این عمل او نیز دارای پاداش است و عبادت عام (تقرّب) به‌شمار می‌رود؛ بنابراین معیار اصلی تبدیل یک عمل عادی به عبادی، نیت فاعل آن است.

در نتیجه، نیت، اصلی‌ترین معیاری است که یک عمل را به عبادت خاص یا عام تبدیل می‌کند. متأسفانه، وهابیت با نادیده گرفتن این شاخص بنیادین، اعمال مسلمانان را

بر اساس نمود خارجی عمل ارزیابی کرده و حکم به شرک آنان و عبادت غیر خدا می‌کنند. با ذکر این مقدمه، به سراغ روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌رویم تا ببینیم تا چه میزان از تعریف عبادت مورد ادعای وهابیت، با این روایات سازگار است.

همان‌گونه که گذشت، نیت یکی از ارکان اصلی عبادت است که تفکیک‌کننده میان یک عمل عبادی از غیر عبادی، یا عبادت‌کننده از غیر عبادت‌کننده است. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام تأکیدات فراوانی بر اهمیت نیت در اعمال وجود دارد؛ هرچند بیشتر این روایات به صورت عام بوده و در مقام بیان «لزوم نیت در همه اعمال» است؛ اما می‌توان از آنها در حوزه عبادت نیز استفاده کرد.

### وابستگی اعمال به نیت

اصلی‌ترین شرط قبول عبادت، قصد و نیت است؛ بدین معنا که عبادت بدون قصد و نیت عبادت، مورد قبول نیست؛ حتی اگر آن عمل عبادت متعین باشد؛ مانند کسی که بدون نیت، طواف کعبه انجام دهد.

عبارات مختلف، اما مشابه‌ای (از نظر مضمون)، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر اهمیت قصد و نیت برای پذیرش عبادات، قابل دستیابی است. از این موارد می‌توان به روایاتی که بر نقش نیت در پذیرش اعمال تأکید شده است، اشاره کرد؛ در این زمینه می‌توان به روایت مشهور نبوی «انما الاعمال بالنیات و لكل امرء ما نوى»، همه اعمال وابسته به نیت آن است و برای هر کسی آن چیزی است که نیت کرده است، اشاره کرد. امام رضا علیه‌السلام با ذکر سلسله سند به نقل از اجداد طاهری‌نشان، این حدیث را از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند؛<sup>۱</sup> بر این اساس، معیار پذیرش هر عملی، نیت آن است.

چنین مفهومی در دیگر سخنان اهل بیت علیهم‌السلام نیز منعکس شده است. امام علی علیه‌السلام، نیت را اساس عمل دانسته‌اند.<sup>۲</sup> که فقدان آن، موجب از بین رفتن عمل می‌شود.<sup>۳</sup> در این

۱. «عربی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۶»؛ «طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۶۱۸».

۲. «النية اساس العمل»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹).

۳. «لا عمل لمن لا نية له»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۹).

نگاه، عمل در حقیقت، ثمره نیت شناخته شده است.<sup>۱</sup> امام سجاد علیه السلام نیز، اظهار داشته-  
اند که هیچ عملی بدون نیت، پذیرفته نیست.<sup>۲</sup>

در این سامانه معرفتی، ارزش‌گذاری اعمال، وابسته به نیت آن است<sup>۳</sup> و ارزشمندی نیت به میزانی است که اگر کسی قصد انجام عمل خیری داشته باشد، ولی شرایط انجام آن را نداشته باشد، مأجور است.<sup>۴</sup> بر این منوال است که افرادی در بهشت یا جهنم جاودان خواهند بود؛ زیرا اگر دنیا جاودانه بود، اهل جهنم در این نیت بودند که همواره به معصیت خدا بپردازند و اهل بهشت، به دنبال اطاعت خدا بودند.<sup>۵</sup>

بهترین حدیثی که بر نقش نیت در عبادت تصریح دارد، عبارتی است که امام صادق علیه السلام در تعریف عبادت بیان فرموده‌اند. حضرت این عبارت را در سه موضع گوناگون ابراز کرده‌اند. در این احادیث، عبادت با فراز «حُسن النیة بالطاعة»: نیت نیکو با پیروی کردن، تعریف شده است؛ بر اساس این تعریف، عبادت جز با نیت و اطاعت محقق نمی‌شود؛ در این عبارت، بر دو عنصر عبادت تأکید کرده است؛ اول نیت و دوم اطاعت. علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق)، در شرح این بخش از حدیث می‌گوید:

معنای روایت آن است که عبادت صحیح و مقبول، عبادتی است که با نیت حسن خالص از ریا و سمعه انجام گیرد.<sup>۷</sup>

بی‌گمان انجام عبادتی این‌چنین که برخاسته از نیت خالص شخص است، فرع بر قصد انجام آن عبادت است؛ به دیگر سخن، به جای آوردن عبادتی خالصانه، پس از آن است

۱. «امام علی علیه السلام: الاعمال ثمار النیات»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۹).

۲. «لا عمل الا بنیة»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۴).

۳. «امام علی علیه السلام: قدر الرجل علی قدر همته و عمله علی قدر نیتته»؛ (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۱).

۴. «امام صادق علیه السلام: إن العبد المؤمن الفقیر ليقول: یارب ارزقني حتی أفعل کذا وکذا من البر ووجوه الخیر، فإذا علم الله عزوجل ذلك منه بصدق نية کتب الله له من الاجر مثل ما یکتب له لو عمله، إن الله واسع کریم»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۵).

۵. «امام صادق (ع): إنما خلد أهل النار في النار لان نياتهم كانت في الدنيا أن لو خلدوا فيها أن بعصوا الله أبدا، وإنما خلد أهل الجنة في الجنة لان نياتهم كانت في الدنيا أن لو بقوا فيها أن يطيعوا الله أبدا، فبالنیات خلد هؤلاء وهؤلاء، ثم تلا قوله تعالی "قل کل یعمل علی شاکلته" قال: علی نیتته»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۵).

۶. «کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۳»؛ «ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۲۴۰».

۷. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ج ۸، ص ۸۵.

که شخص، قصد انجام عبادت و پرستش داشته باشد؛ بنابراین، قصد انجام عبادت، لازمه انجام آن عبادت است. با تکیه بر این برداشت، علت عدم ذکر قصد و نیت در برخی روایات، مُسَلِّم‌انگاری آن است.

بر این اساس است که مطلق سجده، عبادت به‌شمار نمی‌رود؛ بلکه با توجه به نیت آن، می‌توان سجده را ارزیابی کرد. در روایتی از امام باقر علیه السلام درباره سجده شخص مریض سؤال شد. حضرت پاسخ دادند که می‌تواند بر حصیر سجاده یا بادبزن یا مسواک سجده کند. ایشان این عمل را بهتر از سجده با ایما و اشاره دانستند و فرمودند:

و سجده بر اینها بهتر از ایما و اشاره است، و کسانی که (اهل سنت) سجده بر بادبزن را مکروه می‌دارند، به‌خاطر اینکه این عمل را شبیه بت‌پرستی می‌دانند و می‌گویند قرار دادن بادبزن و امثال آن پیش روی، پرستش غیر خدا و بتها است. ایشان ایما را بهتر از سجده بر سجاده و بادبزن و مسواک یا بلند کردن و بر پیشانی گذاشتن و سجده بر آنها می‌دانند؛ لذا بر اینها سجده نمی‌کنند؛ در حالی که غلط می‌گویند و دچار خطا شده‌اند؛ زیرا ما هرگز غیر خدا را نمی‌پرستیم؛ پس بر بادبزن و بر مسواک و بر چوب عود سجده کنید.<sup>۱</sup>

از این حدیث فهمیده می‌شود، معیار اصلی سجده، قصد و نیت است و با توجه به اینکه مقصود از سجده بر این اشیا، آن است که تذلل و شکستگی در سجود زیاده‌گردد (نه سجده کردن بر نفس آن وسائل که همانند بت‌پرستی محسوب شود)، پس سجده بر این اشیا به‌معنای عبادت غیر خدا نیست. این مبنا در مقابل دیدگاه وهابیت است که مطلق سجده را عبادت قلمداد کرده‌اند.

## نتیجه

یکی از مبانی بنیادین وهابیت که موجب تکفیر مسلمانان شده است، تعریف آنان از عبادت است. محمد بن عبدالوهاب در تعریف عبادت گفته است: عبادت نهایت خضوع و

۱. «وروی عمر بن اذینه عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن المريض كيف يسجد؟ فقال: على خمرة أو على مروحة أو على سواك يرفع إليه وهو أفضل من الأيما، إنما کره من کره السجود على المروحة من أجل الاوثان التي كانت تعبد من دون الله وإنا لم نعبد غير الله قط فاسجدوا على المروحة وعلى السواك وعلى عود»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۲).

تذلل و نهایت محبت است؛ به عبارت دیگر، عبادت اسم جامعی است برای هر کاری که خداوند دوست دارد و به آن خشنود می‌شود؛ مانند اقوال و اعمال باطنی و ظاهری. این تعریف باعث شده که اموری از قبیل سجده، فارغ از قصد و نیت انجام‌دهنده آن، به‌عنوان عبادت شمرده شود.

با بررسی‌های انجام گرفته، بیان کردیم که این تعریف وهابیت از عبادت، از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام مردود است؛ زیرا در روایات، عبادت بر دو رکن استوار است؛ اول، خضوع و اطاعت و دوم، قصد و نیت. هیچ عمل عبادی نمی‌تواند عبادت به‌شمار آید؛ مگر اینکه با قصد و نیت انجام دستور خداوند به‌جای آورده شود؛ بر این اساس، سجده نیز به‌خودی‌خود عبادت محسوب نمی‌شود؛ بلکه اگر با قصد عبادت انجام گیرد، به‌عنوان عبادت شناخته می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آل شیخ، سلیمان بن عبدالله، التوضیح عن توحید الخلاق فی جواب أهل العراق، ریاض: دار طيبة، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳. آل شیخ، عبدالرحمن بن حسن، رسائل وفتاوی، ریاض: دارالعاصمة، چاپ اول، ۱۳۴۹ق.
۴. آل شیخ، عبداللطیف بن عبدالرحمن، تحفة الطالب والجلس فی كشف شبه داود بن جرجیس، ریاض: دارالعصمة، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۵. ابابطین، عبدالله بن عبد الرحمن، الانتصار لحزب الله الموحدين، ریاض: دار طيبة، ۱۴۰۹ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، محقق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، دروس للشیخ عبدالعزیز بن باز، بی جا: دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية، بی تا.
۱۲. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۱۵. ابن عبدالوهاب، عبدالله، الكلمات النافعة فی المكفرات الواقعة، تحقیق: عبدالعزیز و محمد عبدالله الجمیح، عربستان: دارالبشیر، چاپ چهارم، ۱۴۲۰ق.
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۷. ابوهلال عسکری، حسن بن محمد، الفروق اللغویه، قاهره: دار العلم والثقافة للنشر والتوزیع، بی تا.
۱۸. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۲۰۰۱م.

١٩. بروقي، احمد بن محمد، **المحاسن**، محقق: جلال الدين محدث، قم: دارالكتب الإسلامية، چاپ دوم، ١٣٧١ق.
٢٠. جوهرى، اسماعيل بن حماد، **الصحيح تاج اللغة و صحاح العربية**، بيروت: دارالعلم للملايين، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
٢١. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشيعة**، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٢٢. حكمی، حافظ بن احمد، **أعلام السنة المنشورة لاعتقاد الطائفة الناجية المنصورة**، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ دوم، ١٤٢٢ق.
٢٣. خثعمی، سليمان بن سحمان، **الضياء الشارق في رد شبهات الماذق المارق**، ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، چاپ پنجم، ١٤١٤ق.
٢٤. الدويش، احمد بن عبدالرزاق، **فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء**، بی جا: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، بی تا.
٢٥. ديلمی، حسن بن محمد، **أعلام الدين في صفات المؤمنين**، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٢٦. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات في غريب القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان الداودي، دمشق: دارالقلم والدار الشامية، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٢٧. زبيدي، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق: مجموعة من المحققين، بی جا: دار الهداية، بی تا.
٢٨. طبري أملي، محمد بن ابی القاسم، **بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى**، نجف: المكتبة الحيدرية، چاپ دوم، ١٣٨٣ق.
٢٩. طبرسي، احمد بن علی، **الإحتجاج على أهل اللجاج**، محقق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضى، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٣٠. طوسی، محمد بن حسن، **الأمالی**، قم: دارالثقافة، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٣١. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى ورسائل**، ریاض: دار الوطن - دار الثريا، ١٤١٣ق.
٣٢. عريضي، علی بن جعفر، **مسائل علي بن جعفر و مستدرکاتها**، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٣٣. فوزان، صالح بن فوزان، **إعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد**، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٢٣ق.
٣٤. فيروز آبادی، محمد بن يعقوب، **القاموس المحيط**، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هفتم، ١٤٢٦ق.

۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، محقق: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۷. کراچکی، محمد بن علی، **معدن الجواهر و ریاضة الخواطر**، محقق: احمد حسینی، تهران: المكتبة المرتضوية، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
۳۸. لیثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ**، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، **مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول**، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، **الإختصاص**، محقق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندي، قم: المؤتمر العالمي للافية الشيخ المفيد، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، **الأمالی**، محقق: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۳. ناشناخته، **مصباح الشريعة**، بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۴۴. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **أصول الدين الإسلامي مع قواعده الأربع**، مکه مکرمه: دارالحديث الخيرية، بی تا.
۴۵. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **تعليم الصبيان التوحيد**، عربستان: موقع مشكاة الإسلامية، بی تا.
۴۶. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **ثلاثة الأصول**، محقق: ناصر بن عبدالله الطريم و غيره، رياض: جامعة الأمام محمد بن سعود، بی تا.
۴۷. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **الجواهر المضیة**، ریاض: دارالعاصمة، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۴۸. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **الرسائل الشخصية**، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی تا.
۴۹. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **كشف الشبهات**، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۵۰. نجدی، محمد بن عبدالوهاب، **مجموعة رسائل في التوحيد والإيمان**، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی تا.

